



عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته ای در پرتو اصل تفکیک با رویکرد اسلامی

پدیدآورنده (ها) : قربان نیا، ناصر؛ اخگری بناب، نادر

حقوق :: نشریه حقوق اسلامی :: بهار ۱۳۹۰ - شماره ۲۸ (علمی-پژوهشی/ISC)

صفحات : از ۷۳ تا ۱۰۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/962248>

تاریخ دالود : ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- ممنوعیت مطلق کاربست سلاح هسته ای
- ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح هسته ای در شرایط مقابله به مثل
- تولید و استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی
- تبیین مبانی فقهی دیدگاه فقهی امام خامنه‌ای دام ظلّه در خصوص استفاده از سلاح‌های هسته‌ای
- نقد تطبیقی رأی دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) در خصوص بکارگیری سلاح هسته ای از منظر آموزه های اسلام و حقوق بشر دوستانه بین المللی
- ادله فقهی منع به کارگیری سلاح های هسته ای (با رویکرد حقوق بشردوستانه محیط زیست)
- فتوای رهبری در مورد سلاح های تخریب جمعی: سرچشمه، اهمیت و تأثیرات
- چرا تولید سلاح هسته ای حرام است؟
- ارزیابی منع به کارگیری سلاح هسته ای با تأکید بر ادله فقهی و سیاسی مقام معظم رهبری در باب حقوق بشردوستانه
- ممنوعیت استفاده از سلاح کشتار جمعی (نقد و بررسی ادله)
- واکاوی حکم تسلیحات کشتار جمعی از منظر آیات و روایات
- فقه تولید، انباشت و کاربرد سلاح های غیرمتعارف با محوریت فقه امامیه

عناوین مشابه

- روابط روسیه با آمریکا و رویکرد آن کشور در برابر برنامه صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران
- مشروعیت یا عدم مشروعیت حضور نیروهای خارجی در سوریه در پرتو اصول حقوق بین الملل (با تأکید بر حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران)
- مشروعیت یا عدم مشروعیت حضور نیروهای خارجی در سوریه در پرتو اصول حقوق بین الملل (با تأکید بر حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران)
- جایگاه اصل عدم تبعیض مالیاتی در پرتو رویه قضایی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، دیوان عالی ایالات متحده آمریکا و نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر وضعیت حقوقی اتباع بیگانه و اشخاص غیرمقیم)
- نظارت پذیری شورای امنیت در پرتو موازین حقوق بین الملل با تأکید بر دیپلماسی هسته ای جمهوری اسلامی ایران
- مقایسه برخورد آمریکا با ایران در کنفرانس بازنگری معاهده عدم گسترش سلاح های هسته ای در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰
- ادله فقهی منع به کارگیری سلاح های هسته ای (با رویکرد حقوق بشردوستانه محیط زیست)
- واکاوی شرط استطاعت طریقی با رویکرد تعطیلی حج در صورت عدم تامین امنیت حجاج از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی
- ارزیابی منع به کارگیری سلاح هسته ای با تأکید بر ادله فقهی و سیاسی مقام معظم رهبری در باب حقوق بشردوستانه
- ضرورت تحول در هویت انقلاب اسلامی بر مبنای رویکرد ساختار- کارگزار با توجه به آراء آیت الله خامنه ای

عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای در پرتو اصل تفکیک

(با رویکرد اسلامی)

ناصر قربان‌نیا*
نادر اخگری بناب**

تاریخ تأیید: ۸۹/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۱۹

چکیده

هم‌زمان با پیشرفت‌های خیره‌کننده بشر در دستیابی به تکنولوژی‌های جدید، تسلیحات نظامی نیز متأثر از این پیشرفت‌ها، مخرب‌تر و وحشتناک‌تر از گذشته، توسعه یافته‌اند؛ به طوری که خواب راحت را از چشمان بشریت ربوده‌اند. مهم‌ترین این تسلیحات سلاح‌های هسته‌ای هستند که خصوصیت اصلی آنها، کشتار و تخریب بدون تفکیک نظامیان و غیرنظامیان از یک سو و اهداف نظامی و غیرنظامی از سوی دیگر می‌باشد. دامنه کشتار و تخریب با تسلیحات هسته‌ای به قدری وسیع است که قابلیت کنترل به یک نقطه مشخص و محدود را نداشته و کنترل کشتار و تخریب توسط این تسلیحات تقریباً غیرممکن است و این در حالی است که یکی از اصول تثبیت‌شده و بنیادین حقوق بشردوستانه بر پایه موازین اسلامی و بین‌المللی، لزوم رعایت «اصل تفکیک» در زمان به‌کارگیری یک سلاح و انجام حمله نظامی است. در این مقاله کوشیده‌ایم تا با توجه به اصل تفکیک و جایگاه آن در مقررات بین‌المللی و اسلام، نقض این اصل را در صورت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای - توسط متخاصمین - در یک مخاصمه مسلحانه نشان دهیم و بر همین اساس، خلاف رأی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری، عدم مشروعیت تهدید و یا کاربرد سلاح هسته‌ای را اثبات نماییم.

واژه‌های کلیدی: سلاح هسته‌ای، حقوق بشردوستانه، اصل تفکیک، اهداف و افراد نظامی و غیرنظامی.

* استادیار دانشگاه مفید (ghorbannia4@gmail.com)

** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی قم (n_akhgari@yahoo.com)

در پیام/نیشترین به دانشمندان ایتالیا چنین آمده است:

نیروی افسارگسیخته اتم که بر همه چیز، جز نحوه تفکر ما تأثیر گذاشته است؛ جهان را به سوی فاجعه‌ای هولناک سوق می‌دهد. اگر بشر بخواهد از این ورطه تاریک برهد، باید چشمان خود را باز نماید و جهان را از دریچه‌ای دیگر نظاره کند (فلسفی، ۱۳۸۵، ص ۶).

بعد از به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای (Nuclear Weapons) توسط آمریکا علیه شهرهای ژاپن در ناکازاکی (Nagasaki) و هیروشیما (Hiroshima)، و نمایان شدن خسارات و اثرات وحشتناک آنها،* تلاش‌هایی در سطح بین‌المللی با اهداف و مقاصد متفاوت، از جمله صلح‌طلبی و ممانعت از گسترش این توان، به سایر کشورها انجام شد تا دستیابی به این سلاح‌ها، محدود گردد.

شورای امنیت به عنوان رکن اجرایی سازمان ملل متحد که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد (U.N. Charter, 1945, Art. 4)؛ تکثیر این سلاح‌ها را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند.**

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بارها برای خلع سلاح هسته‌ای و جلوگیری از

* «نخستین اثر کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، اثر گرمایی یا حرارتی با قدرتی بیش از میلیون‌ها برابر قدرت قوی‌ترین بمب‌های کلاسیک که عمده‌ترین اثر آن بر انسان، کوری آذرخش است.

- اثر تشعشع یا پرتوهای رادیواکتیو (آلفا، گاما، و نوترون) که در اثر عمل یونیزه‌شدن به بافت‌های انسانی در معرض تماس با تشعشع آسیب می‌رساند و علاوه بر آن، ژن‌های انسان را نیز دچار آسیب و تغییر می‌سازد. بروز سرطان خون و استخوان و نیز جهش‌های مصنوعی از آثار بیولوژیک این سلاح‌ها بر انسان است.

- تأثیرات ناشی از آلودگی سلاح‌های هسته‌ای که بر محیط‌زیست به صورتی پایدار باقی می‌ماند و از نظر علمی، توسط هیچ روش فیزیکی و یا شیمیایی نمی‌توان رادیواکتیویته ناشی از کاربرد این سلاح‌ها را منهدم کرد» (ساعد، ۱۳۸۶، ص ۵۹).

- تخریب گسترده اموال و اماکن؛ به طوری که تا شعاع چند ۱۰ کیلومتری محل انفجار به تلی از خاک مبدل می‌شود.

** بیانیه رئیس شورای امنیت در پایان نشست سران دولت‌های عضو این شورا مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲، (ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۸).

انتشار و گسترش این نوع تسلیحات، اقدام به صدور قطعنامه‌هایی کرده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به قطعنامه ۱۶۵۳ صادره در سال ۱۹۶۱ تحت عنوان «جلوگیری از انتشار گسترده سلاح‌های هسته‌ای» (Prevention of the Wider Dissemination of Nuclear Weapons) اشاره کرد. در این قطعنامه با اشاره به مسئولیت مجمع عمومی در ارتباط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و خلع سلاح و با تکیه بر قواعد عام راجع به ممنوعیت به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی و ضرورت رعایت «اصل تفکیک» (The Distinction Principle)، بین نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه و با توجه به ویژگی این سلاح و نیز با استناد به اصول مقرر در اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ (The St. Petersburg Declaration)، اعلامیه ۱۸۷۴ کنفرانس بروکسل (The Brussels Conference of 1874)، مقررات کنوانسیون‌های کنفرانس صلح ۱۸۹۹، ۱۹۰۷ لاهه (The Hague Regulations) و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو (The Geneva Protocol 1925)، استفاده از سلاح هسته‌ای و گرمای هسته‌ای (Nuclear Weapons - Thermo)، خلاف روح و متن و اهداف ملل متحد و ناقض منشور شناخته شده است. در بندهای b,c,d این قطعنامه صراحتاً ذکر شده که استفاده از سلاح هسته‌ای، خلاف حقوق بین‌الملل و حقوق بشریت (The Law of Humanity) بوده و به‌کارگیری این سلاح نه فقط جنگ علیه دشمن، بلکه جنگ بر علیه بشریت است. در نتیجه، هر دولتی که از این سلاح‌ها استفاده کند، منشور ملل متحد را نقض کرده و مرتکب جنایت علیه بشریت و غیرنظامیان شده است (UN.DOC.R/1653(XVI), 1961).

ولی این تلاش‌های بین‌المللی، به دلایل مختلف، به‌ویژه تلاش قدرت‌های غربی برای حفظ انحصاری این توان به‌عنوان یک وسیله سلطه، در پناه ارائه نظریاتی همچون بازدارندگی هسته‌ای (Deterrence)، به هدف منتهی نشده است (ساعد، ۱۳۸۶، ص ۶۰). سلاح‌های هسته‌ای، علاوه بر قدرت کشتار وسیعی که دارند؛ از قدرت تخریبی بالایی نیز برخوردار می‌باشند، به طوری که در زمان به‌کارگیری، نمی‌توان هیچ‌گونه تفکیک و تمایزی بین اهداف نظامی و غیرنظامی ایجاد کرد. دبیر کل سازمان ملل متحد،

در گزارشی* که در سال ۱۹۹۰ منتشر کرد، کشتار ناشی از سلاح‌های هسته‌ای را این‌گونه توصیف می‌کند: «حتی اگر بتوان قدرت تخریبی یک سلاح هسته‌ای را تا جزیی از کیلو تن کاهش داد، چنین بمبی، هیچ بختی برای ادامه حیات کسانی که در فاصله نزدیکی از محل انفجار باشند، باقی نمی‌گذارد. غیر از ضربه ناشی از موج انفجار یا باد شدیدی که پس از لحظه انفجار وزیدن می‌گیرد؛ انفجار، امواج حرارتی به وجود می‌آورد که فرصت زندگی را از اشخاص نزدیک به محل انفجار خواهد گرفت» (UN.DOC. A/45/373,1990, Para. 292_293).

بنابراین با تکیه به اینکه عواقب استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به گونه‌ای است که لزوماً دامنگیر همه می‌شود و محدوده کشتار آن به صورتی وسیع می‌باشد که قابلیت کنترل به یک نقطه مشخص و محدود را ندارد و تقریباً کنترل کشتار و تخریب، توسط این تسلیحات غیرممکن بوده و نابودی غیرنظامیان و اموال غیرنظامی با آن حتمی می‌باشد؛ لذا به کارگیری این گونه تسلیحات با اصل پذیرفته‌شده «تفکیک» در حقوق بشردوستانه** بین‌المللی و اسلام در تضاد آشکار بوده و ناقض آن به‌شمار می‌آید.

در این مقاله کوشیده‌ایم تا با توجه به اصل تفکیک و جایگاه آن در مقررات بین‌المللی و اسلام، نقض این اصل را در صورت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای - توسط متخاصمین - در یک مخاصمه مسلحانه نشان دهیم و بر همین اساس خلاف رأی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری، عدم مشروعیت تهدید و یا کاربرد سلاح هسته‌ای را اثبات نماییم.

* در این گزارش دیرکل وقت سازمان ملل متحد، به صورت مفصل و از زوایای مختلف به اثرات و نتایج کاربرد یک بمب هسته‌ای پرداخته است.

** بر اساس قواعد بین‌المللی، حقوق بشردوستانه شامل بخشی از حقوق مخاصمات مسلحانه است که ضمن نظارت بر رفتار نیروهای متخاصم، اختیار طرفین درگیر را در استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای جنگی محدود ساخته و از افراد انسانی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی متأثر شده و یا ممکن است متأثر شوند؛ حمایت می‌کند. (به نقل از: سایت صلیب سرخ جهانی).

۱. نسبت اصل تفکیک و کاربرد سلاح هسته‌ای در حقوق بین‌الملل

قبل از ورود به بحث، به اختصار، تعریفی از سلاح هسته‌ای و اصل تفکیک ارائه می‌دهیم. بر اساس ضمیمه دوم پروتکل سوم کنترل تسلیحات، منعقد شده در ۲۳ اکتبر ۱۹۵۴ (توافقات پاریس)؛ سلاح اتمی عبارت است از: «سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته‌ای یا ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده است و در اثر انفجار یا سایر تغییرات هسته‌ای کنترل نشده، یا در اثر رادیواکتیویته ناشی از سوخت هسته‌ای یا ایزوتوپ‌های رادیواکتیو، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده باشد» (رک: ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۱۴).

تعریف دیگری که در مورد تسلیحات هسته‌ای صورت گرفته است، مربوط به معاهده ۴ فوریه ۱۹۶۷ با نام معاهده منع استقرار سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب موسوم به معاهده «تلاتلوکو» (Tlatelolco) می‌باشد. به موجب ماده ۵ این معاهده منطقه‌ای؛ منظور از سلاح هسته‌ای در معاهده حاضر، هرگونه وسیله‌ای است که قادر باشد، انرژی هسته‌ای را به گونه غیرقابل کنترلی آزاد کند و مجموعه ویژگی‌های آن به صورتی باشد که کاربرد آن، اختصاص برای اهداف جنگی داشته باشد. وسیله‌ای که برای حمل یا حرکت سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، جزو این تعریف نیست، مشروط بر آن‌که جدا از وسیله بوده و جزو لاینفک سلاح نباشد (Tlatelolco, 1967, Art. 5).

سلاح‌های اتمی دارای انواعی هستند که شامل: بمب‌های شکافتنی (معروف به بمب A) و بمب‌های ترمونوکلتر یا گداختی (بمب‌های هیدروژنی معروف به بمب H) می‌باشد (رسو، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۴۲).

اصل تفکیک و مصونیت غیرنظامیان یکی از قدیمی‌ترین اهداف اساسی قواعد امری و عرفی حقوق بشردوستانه را تشکیل می‌دهد که صرف نظر از ویژگی بین‌المللی یا غیربین‌المللی* مخاصمه مسلحانه قابل اعمال هستند (فلک، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴). این اصل در واقع

* تفکیک میان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی در این رابطه اساساً غیرممکن است، چرا که ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو از قبل حمایت گسترده‌ای از جمعیت غیرنظامی حتی در مخاصمات مسلحانه داخلی مقرر کرده است.

تنظیم‌کننده نحوه استفاده از تسلیحات در درگیری‌های مسلحانه است (کاسسه، ۱۳۷۵، ص ۴۵). بر اساس اصل تفکیک که یک اصل بنیادین و تثبیت‌شده در حقوق بین‌الملل موضوعه و عرفی می‌باشد: «افراد و اهداف غیرنظامی نه تنها نباید مستقیماً مورد حمله نظامی واقع شوند؛ بلکه در حمله به اهداف نظامی نیز باید آن‌چنان دقتی به‌عمل آورد که آن اهداف (غیرنظامیان) مورد صدمه و آسیب واقع نشوند» (ساعد، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

بر اساس پروتکل اول الحاقی، حمله‌ای فاقد عنصر تفکیک است که «به صورت تعمدی و به‌طور نامتناسب منتهی به سطح بالایی از نابودی مانند زخمی کردن غیرنظامیان یا خسارت به اموال غیرنظامی گردد» (Additional Protocol I, 1977,) P.85(3).

حکمت بنیادین تفکیک و مصونیت غیررزمندگان نه فقط مانع حملات به جمعیت غیرنظامی می‌شود؛ بلکه متخاصمان را ملزم می‌کند که میان اهداف نظامی از یک سو و جمعیت و اهداف غیرنظامی از سوی دیگر تمایز قایل شوند. (فلک، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳)

اهمیت رعایت اصل تفکیک به حدی است که به عقیده پروفیسور لوترباخت، «اصل تفکیک اساس حقوق جنگ را تشکیل می‌دهد» (رک: ساعد، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). بر اساس این اصل «به منظور صیانت قطعی جمعیت و اهداف غیرنظامی، طرف‌های مخاصمه در هر زمان باید بین جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و بین اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قایل شوند و به این ترتیب عملیات خود را فقط علیه اهداف نظامی هدایت کنند»* (Additional Protocol I, 1977, P. 48). اگر هدف جنگ در واقع تسلیم دشمن از طریق نبرد با نیروهای نظامی اوست، بنابراین آسیب‌رسانی به کسانی که در جنگ مشارکتی ندارند؛ موجبات آسیب و تألم بی‌گناهان را فراهم خواهد آورد که امری بی‌فایده، غیرضروری و غیرانسانی محسوب می‌شود که هیچ‌گونه تناسبی با ضرورت‌های نظامی نخواهد داشت (ر. ک: قرباننیا، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵ - ۱۵۱).

الزام به تفکیک میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان، همین‌طور میان اهداف نظامی و غیرنظامی که در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول مورد توجه قرار گرفته است؛ نتیجه کلاسیک تلاش برای محدودکردن جنگ به محدودسازی اعمال خشونت‌آمیز علیه

* بندهای ۱ تا ۴ ماده ۵۱ پروتکل مذکور با صراحت بیشتری به قاعده تفکیک پرداخته است.

دشمن است،* توسل به زور فقط تا جایی امکان‌پذیر است که علیه یک هدف نظامی خاص، تأسیسات نظامی و یا اهداف استفاده‌شده با مقاصد نظامی در یک عملیات فردی یا گروهی رزمندگان اتخاذ شده باشد (فلک، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸). ممنوعیت جنگ کورکورانه** و غیرقابل تفکیک احتمالاً مهم‌ترین ثمره عینی اصل «جنگ محدود» است، که نتیجه آن تغییر جهت‌گیری اساسی جنگ به سوی الزامات ضرورت نظامی می‌باشد (هنکرتز، ۱۳۸۷، ص ۳۷۵).

تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل بشردوستانه پس از جنگ جهانی دوم ثابت می‌کند که قاعده تفکیک نه‌تنها روی به کهنگی ننهاده؛ بلکه جلوه‌ای بیش از پیش یافت. دلیل این مدعا، آن است که برای نخستین بار در سال ۱۹۴۹ پیمانی بین‌المللی، یعنی کنوانسیون چهارم ژنو به حمایت از غیرنظامیان اختصاص یافت و پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز قلمرو حقوق بشردوستانه در زمینه رعایت اصل تفکیک را توسعه داد. یک نکته پر اهمیت آن است که

* تفکیک بین افراد نظامی و غیرنظامی در زمان جنگ، قبلاً در اعلامیه سن پترزبورگ و کد لیبیر نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس بیانیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸)، تنها هدف مشروع در جنگ «تضعیف نیروهای مسلح دشمن» است.
** بر اساس ماده (۴) ۵۱ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو، حملات کورکورانه ممنوع بوده و این ممنوعیت شامل موارد زیر می‌شود:

الف) حمله‌هایی که علیه یک هدف نظامی به خصوص صورت نگیرد؛
ب) حمله‌هایی که با استفاده از روش‌ها یا وسایل جنگی صورت گیرد که توان آن را علیه یک هدف نظامی به خصوصی به کار گرفت؛

ج) حمله‌هایی که در آن از روش‌ها یا وسایل جنگی استفاده می‌شود که اثرهای کاربردی آن را نمی‌توان طبق مقررات پروتکل حاضر محدود ساخت.

د) در نتیجه، در هر یک از این قبیل موارد، این حملات از نوعی است که اهداف نظامی و افراد یا اموال غیرنظامی را بدون تفکیک از یکدیگر مورد اصابت قرار می‌دهند.

ه) علاوه بر سایر موارد، انواع حمله‌های مذکور در زیر، در زمره حمله‌های کورکورانه به‌شمار می‌آیند:

۱) حمله از طریق بمباران با هر روش و وسیله‌ای که تعدادی هدف نظامی مشخص و مجزا درون یک شهر، قصبه، روستا یا ناحیه دیگری را که تجمع مشابهی از افراد و اموال غیرنظامی در خود جای داده است، به عنوان یک هدف نظامی واحد قلمداد می‌کند؛

۲) حمله‌ای که انتظار می‌رود به‌طور اتفاقی موجب صدمه جانی به افراد غیرنظامی، مجروح‌شدن آنها و وارد آوردن خسارت به اموال غیرنظامی یا مجموعه‌ای از آنها گردد که نسبت به مزیت‌های نظامی مشخص و مستقیمی که پیش‌بینی شده است زیاد از حد باشد.

پروتکل مزبور به نحو بارزی روش و میزان حمایت از افراد عادی را گسترش داد و تأکید کرد؛ هرکس که رزمنده بودن او به اثبات نرسد، در زمره افراد عادی خواهد بود (ر.ک: قربانیا، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱-۱۴۵).

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود در مورد «استفاده یا تهدید به کاربرد سلاح‌های هسته‌ای» با بیان اینکه اصل تفکیک جزو اصول بنیادین (The Cardinal Principles) حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود با تکیه بر رعایت این اصل، بیان داشت: «دولت‌ها هرگز نباید غیرنظامیان را هدف حمله قرار دهند؛ در نتیجه، هرگز نباید از سلاح‌هایی که قادر به تفکیک و تمیز بین اهداف نظامی و غیرنظامی نیستند، استفاده کنند» (Advisory Opinion, I.C.J. Reports, 1996, Para. 78). همان‌طور که ملاحظه می‌شود دیوان استفاده از سلاح‌های غیرقابل تمیز و کور را معادل با حمله عمومی و آگاهانه به غیرنظامیان می‌داند.

قاعده حمایت حداکثری از جمعیت غیرنظامی، الزام به اخطار قبلی - در صورت امکان - در حمله به اهداف نظامی را نیز در بر می‌گیرد. مقامات صالح متخاصم باید اخطار اولیه برای حمله را بدهند تا برای جمعیت غیرنظامی فرصت تخلیه یا حداقل جای گرفتن این افراد در مناطق حمایت‌شده خاص فراهم شود (فلک، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵). در راستای تحقق این مسئله و برای کاهش آسیب‌های غیرنظامیان، در حمله به اهداف مشروع نظامی، ماده ۲۶ کنوانسیون‌های لاهه مقرر کرده: «فرمانده یک نیروی مهاجم باید به مقامات صالح در محل‌های هدف حمله اطلاع دهد که بمباران طراحی شده است» (The Hague Convention IV, 1907, P.26)؛ مگر آنکه اوضاع و احوال، اطلاع‌رسانی را ایجاب ننماید (Additional Protocol (I), (2) c 1977, 575)؛ علاوه بر تعهدات دولت مهاجم برای به حداقل رسانیدن آسیب‌ها و خسارات جمعی به غیرنظامیان، دولت مسئول یک سرزمین خاص نیز، متعهد به انجام اقداماتی برای جلوگیری از خسارت تبعی ناشی از این حملات می‌باشد. ماده ۵۸ پروتکل اول الحاقی مقرر می‌کند:

طرف‌های متخاصمه باید تا سرحد امکان سعی نمایند؛ سکنه، افراد و اموال غیرنظامی تحت کنترل خود را از نزدیکی هدف‌های نظامی دور سازند و از قراردادن هدف‌های نظامی در مناطق پرجمعیت یا در نزدیکی آنها خودداری نمایند.

همه این تمهیدات نشان از اهمیت رعایت اصل تفکیک و به حداقل رسانیدن صدمات، آسیب‌ها و تلفات غیرنظامیان است. از این رو طرفین درگیر در یک مخاصمه مسلحانه باید «کلیه احتیاط‌های ممکن را در انتخاب وسایل و شیوه‌های حمله به عمل آورند تا در هنگام حمله از خسارت جانی اتفاقی به غیرنظامیان، مجروح شدن غیرنظامیان و نیز آسیب‌رساندن به اموال غیرنظامی اجتناب نموده و یا آن را به حداقل برسانند» (Ibid, 57, 2(a)(i)).

بنابراین با توجه به جایگاه و اهمیت رعایت اصل تفکیک در جریان حمله، تسلیحات و ابزارهایی که کاربرد آنها موجبات نقض این اصل بنیادین* حقوق بشردوستانه را به همراه داشته باشند؛ ممنوع خواهد بود. بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیتشان، بدون تفکیک عمل می‌کنند، در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرد (The Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, (8) 2(b)(20)). از این رو «هدایت مستقیم و عمدی حملات علیه اهداف غیرنظامی، یعنی اهدافی که استفاده نظامی ندارند و یا جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیرنظامی که نقش مستقیمی در درگیری ندارند»؛ جنایات جنگی محسوب می‌گردد (Ibid, P. 8) 2(b)(2) & (1)).

سلاح‌هایی را ماهیتاً، فاقد قابلیت تفکیک می‌دانند که نتوان آنها را علیه یک هدف نظامی به‌کار گرفت و یا تأثیر آن را نمی‌توان به نحوی که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقرر شده است؛ محدود کرد. ممنوعیت چنین سلاح‌هایی در عین حال، مشمول ممنوعیت کلی انجام حملات کور و بی‌هدف نیز می‌باشد (هنکرتز، ۱۳۸۷، ص ۳۷۵).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز طی قطعنامه ۱۶۵۳ شانزدهمین نشست در ۱۹۶۱ بیان کرده است که استفاده از تسلیحات هسته‌ای و گرمهسته‌ای مانع تمیز بین هدف‌های نظامی و غیرنظامی می‌گردد. (UN.DOC.R/1653(XVI), 1961) در واقع «خاصیت اصلی

* بر اساس مقررات بین‌المللی یکی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، رعایت اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و اهداف نظامی و غیرنظامی می‌باشد (Advisory Opinion, I.C.J. Reports, 1996, Para. 78).

این نوع سلاح‌ها این است که بدون تفکیک* و تبعیض عمل می‌کند؛ یعنی هم نظامیان و هم غیرنظامیان را می‌کشد» (رسو، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۴۱). به علاوه دول ثالث نیز می‌توانند، تحت تأثیر مواد مخرب آن قرار گیرند. قاضی بجاوی (Bedjaoui) رئیس وقت دیوان بین‌المللی دادگستری - در زمان صدور رأی مشورتی در مورد سلاح‌های هسته‌ای - با صدور بیانیه‌ای با تأکید بر خاصیت «کور» سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرد: «به نظر می‌رسد سلاح‌های هسته‌ای حداقل در وضعیت فعلی پیشرفت علوم - به جهت دارا بودن خصوصیت عدم رعایت تفکیک - موجب تلفات در بین نظامیان و غیرنظامیان، هر دو، می‌باشد. این سلاح ماهیتاً یک سلاح کور (weapon Blind) محسوب می‌شود و موجب تضعیف حقوق بشردوستانه و به طور خاص حقوق ناظر بر کاربرد تسلیحات نظامی می‌گردد. حمله با این سلاح، غیرقابل تمیز و کور بوده و باعث کمرنگ کردن تفکیک بین رزمندگان و غیررزمندگان گردیده و در نتیجه چالش اساسی اعمال حقوق بشردوستانه به‌شمار می‌آید. (Declaration of President Bedjaoui: Para 20) قاضی شهاب‌الدین نیز در نظر مخالف خود این امر را مایه شگفتی دانست که دیوان از یک سو می‌پذیرد سلاح هسته‌ای می‌تواند تمدن و زیست‌بوم کره زمین را به نابودی کشاند ولی از سوی دیگر به حق بقای یک دولت برای بقای خود و در نتیجه، حق دفاع مشروع آن استناد می‌کند**» (قربان‌نیا، ۲۳۹، ص ۱۳۸۷).

محاکم ژاپن نیز در قضیه «شیمودا» (shimoda) بدون هیچ قید و شرطی در بیان عدم مشروعیت بمباران‌های اتمی ۱۹۴۵ به نقض اصل تفکیک*** توسط سلاح‌های

* قاضی هیکینس در نظریه مخالف خود در قضیه سلاح‌های هسته‌ای اظهار کرد: «سلاحی که قادر به هدف‌گیری یک نقطه نظامی نباشد؛ ماهیتاً سلاحی فاقد تفکیک محسوب می‌شود» (Dissenting Opinion of Judge Higgins: Para2).

*** برای ملاحظه نقد نظریه مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه به‌کارگیری یا تهدید برای به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای (ر.ک: قربان‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۲۴۳-۲۳۰).

*** علاوه بر این دولت ژاپن بیانیه‌ای رسمی علیه استفاده از بمب اتم از طریق دولت سوئیس به دولت آمریکا مسترد داشت که در آن بر ضایعات فراوان حاصله از انفجار بمب و نقض اصول ملحقه به کنوانسیون لاهه در مورد جنگ زمینی (مواد ۲۲ و (e) ۲۳) تأکید شده بود. دولت ژاپن مدعی بود که آمریکا با استفاده از این بمب اصول ابتدایی تمدن را دربارہ معانعت استفاده از وسایلی که دارای آثار تخریبی فراوان و صدمه‌زننده به افراد عادی و ... می‌باشد را نقض کرده است. همچنین دولت ژاپن متذکر شد که بمب اتمی، تهاجمی علیه تمدن بشریت است (ر.ک: مسائلی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۵).

هسته‌ای استناد کردند: در رأی صادره از طرف دادگاه ناحیه‌ای توکیو آمده است: به موجب اصل مسلم و شناخته شده در حقوق بین‌الملل راجع به جنگ هوایی، یک بمباران هوایی که بدون تشخیص انجام می‌شود، اصل «حمله به اهداف نظامی» را نقض می‌کند. بنابراین در مورد شهرهای بدون دفاعی مانند هیروشیما و ناکازاکی قابل قبول نیست (رسو، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۴۴).

۲. اصل تفکیک و سلاح هسته‌ای؛ رویکرد اسلامی

«اصل تفکیک» بین نظامیان و غیرنظامیان، از اصول پذیرفته شده در مقررات حاکم بر جهاد در اسلام می‌باشد به طوری که «این اصل جزو قواعد بنیادینی است که فقه‌های اسلامی متفقاً آن را پذیرفته‌اند. مطابق مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه این یک تکلیف است که بین افراد نظامی و غیرنظامی در منازعات مسلحانه با هر ماهیتی، تفکیک قایل شویم و نبرد را تنها بین نیروهای مسلح مجاز بدانیم» (سلطان، ۱۳۷۲، ص ۲۳۱).

بررسی انگیزه‌ها و اهداف جهاد در آیات و روایات اسلامی مؤیدی است بر لزوم رعایت اصل تفکیک در جریان یک مخاصمه مسلحانه، زیرا منظور از جهاد در اسلام، کشتن افراد، کشورگشایی و تصاحب اموال آنها نمی‌باشد. همچنان‌که مفسرین نیز ذیل آیات جهاد بیان می‌کنند:

جنگ در منطلق اسلام هرگز به خاطر انتقام‌جویی یا جاه‌طلبی یا کشورگشایی یا به دست آوردن غنائم، و اشغال سرزمین‌های دیگران نیست. اسلام همه اینها را محکوم می‌کند و می‌گوید: سلاح به دست گرفتن و به جهاد پرداختن، فقط باید در راه خدا و برای گسترش قوانین الهی و بسط توحید و عدالت و دفاع از حق و ریشه‌کن ساختن ظلم و فساد و تباهی باشد* (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۸).

حتی در آن مورد که جنگ پس از در معرض تجاوز قرار گرفتن امت؛ صورت گرفته، لازم است که محدود در چارچوب از بین بردن نیروی نظامی دشمن بوده و از هرگونه تجاوز و تعدی به جان و مال به دور باشد (مدرسی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۳).

* مرحوم علامه طباطبایی در این مورد بیان می‌کنند: «[جهاد] برای رضای خدا و تقرب به او، نه استیلاء بر اموال مردم و ناموس آنان باید صورت گیرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۸ / در همین زمینه رک: قریشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۵۲ / قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۰۳).

علامه طباطبایی در بیان معنی «قتال» آن را محدود به کشتن افرادی که در جنگ شرکت کرده‌اند؛ می‌کند و بیان می‌دارد:

قتال به معنای آن است که شخصی قصد کشتن کسی را کند که او قصد کشتن وی را دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۸).

مفهوم این جمله آن است که کسانی که قصد کشتن و به اصطلاح قصد جنگ ندارند و غیرنظامی محسوب می‌شوند؛ نباید مورد تعرض قرار بگیرند.

بنابراین «کافر حربی بودن اقتضاء نمی‌کند که علاوه بر مقابله و دفاع در برابر او، به همه حقوق وی نیز تجاوز کرده، حتی خانواده، اطفال و اموال او - که غیرنظامی محسوب می‌شوند - هم به‌طور مطلق مورد تجاوز قرار گیرد و رعایت هیچ‌گونه حقی را در مورد وی نکنند» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴). چرا که همچنان‌که از آیات جهاد نیز به خوبی معلوم می‌شود، هدف از جهاد اعلاء کلمه الله* در جهان و خاموش کردن فتنه‌ها** و حفاظت و حمایت از ملل مظلوم و هدایت آن*** و محو شرک و بت‌پرستی می‌باشد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۶-۳۰ / امید زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۶۱).

مِمَّا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء: ۷۵).

چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به‌دست ستمگران) تضعیف شده‌اند؛ پیکار نمی‌کنید، همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: خدایا! ما را از این شهر

* «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ با کسانی که با شما جنگ می‌کنند، در راه خدا بجنگید و تعدی نکنید. زیرا خدا تعدی‌کنندگان را دوست ندارد» (بقره: ۱۹۰).

** «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ و با آنان [کافران] بجنگید تا فتنه‌ای برجا نماند و دین از آن خدا شود. پس اگر [از جنگ یا کفر] دست کشیدند، پس ستمی نیست مگر بر ستمگران» (بقره: ۱۹۳).

*** هدف اصلی جهاد و جنگ در اسلام، از میان برداشتن و کشتار کافران نیست، بلکه در درجه نخست هدایت آنان است. لذا پیامبر ﷺ به امام علی رضی الله عنه می‌فرماید: اگر یک نفر از کافران به دست تو هدایت شود، بهتر و ارزشمندتر از فرمانروایی تو بر تمام دنیا است. «وَأَيُّمُ اللَّهُ لَيْنُ يَهْدِيَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَىٰ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ عَرَبَتْ وَ لَكَ وَ لَأَوْهٖ يَا عَلِيُّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۸).

(مکه) که اهلس ستمگرند بیرون ببر و برای ما از سوی خود، ولی قرار ده، و برای ما از سوی خود یار و یآوری معین فرما.

به عبارت دیگر جهاد اسلامی وسیله‌ای برای خون‌ریزی و کشتار نیست، تا بی‌گناهان و کسانی که نقشی در جنگ ندارند، مورد کشتار قرار بگیرند؛ بلکه وسیله‌ای است برای هدایت و نجات انسان‌ها. امیرمؤمنان، علی علیه السلام می‌فرمایند: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به یمن اعزام کرد، چنین فرمودند:

وَ اِئِمَّ اللَّهُ لَئِنْ يَهْدِيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَكَ وَ تَأْوُؤُهُ يَا عَلِيُّ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۸).

ای علی! هیچ کس را نکش مگر اینکه نخست او را به اسلام دعوت کرده باشی؛ به خدا سوگند اگر خداوند مردی را به دست تو هدایت کند، برای تو بهتر است از هر چه خورشید بر آن بتابد و تو صاحب اختیار آن باشی.

۸۵ از این روی اگر برای رسیدن به این هدف راه دیگری غیر از جنگ وجود داشته باشد، نیازی به جنگ نخواهد بود. به همین جهت نخستین وظیفه قبل از آغاز جنگ در جهاد اسلامی - دعوت دشمن برای پذیرش حق است و تا زمانی که این دعوت صورت نگرفته، نباید آغازگر جنگ بود. «و لا يجوز قتال أحد من الكفار إلّا بعد دعائهم إلى الإسلام و إظهار الشهادتين و الإقرار بالتوحيد و العدل و التزام جميع شرائع الإسلام. فمتى دعوا الی ذلك، فلم يجيبوا حلّ قتالهم؛ و متى لم يدعوا، لم يجز قتالهم» (در این زمینه ر. ک: شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۲ / حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۴۸ / طبرسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۳۴ / ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶ / محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۸۲ / علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۳۷ / محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸۱).

با توجه به این اهداف عالیّه جهاد در اسلام به خوبی روشن می‌شود؛ برای تحقق این اهداف تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان همچنین تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی لازم و ضروری می‌باشد و حال آنکه به‌کارگیری تسلیحات هسته‌ای ناقض اصل تفکیک بوده و به تبع آن با اهداف عالیّه جهاد اسلامی در تناقض آشکار خواهد بود.

احکام و مقررات مربوط به جهاد در اسلام، تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان از یک سو و اهداف نظامی و غیرنظامی از سوی دیگر را مورد توجه قرار داده و مقررات جداگانه‌ای برای رعایت «تفکیک» میان این اهداف در جریان یک مخاصمه مسلحانه بیان کرده‌اند که آن را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱. تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان

هر رزمنده مسلمان متعهد است که در هر حال فقط رزمنده متخاصم را مورد هدف قرار دهد. خداوند متعال در آیه ۱۹۰ سوره بقره، جنگ و کشتار را مختص افراد نظامی دشمن قرار می‌دهد و رزمندگان اسلام را از تعدی و تجاوز و کشتن افرادی که نقشی در جنگ ندارند و به اصطلاح مقاتل نمی‌باشند؛ بر حذر می‌دارد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»، «در راه خدا با آن افرادی که با شما قتال می‌کنند؛ پیکار نمایید ولی تجاوز ننمایید. زیرا خدا اشخاص تجاوزکننده را دوست ندارد». مفسران اعم از عامه و امامیه ذیل این آیه شریفه بیان می‌کنند: «تنها با کفاری که با شما در مقام جنگ هستند مقاتله کنید» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۵۱ / قریشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۵۲ / مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۲۳ / سبزواری نجفی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۳۰ / مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۹۸ / کرمی خویزی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۵۵) و هرگز غیرنظامیان را مورد تهاجم قرار ندهید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹).

به گواهی تاریخ در عصر پیامبر ﷺ چون همه مردان قبیله به خاطر عصبیتی که نسبت به قبیله خود داشتند، در جنگ شرکت می‌کردند؛ لذا تمامی آنان رزمنده محسوب می‌شدند و غیررزمندگان، غالباً شامل زنان، کودکان، سالخورده‌گان و بیمارانی بودند که توان جنگیدن را نداشتند. از این روی همین عده، بارزترین مصداق غیرنظامیان در زمان پیامبر ﷺ را تشکیل می‌دادند که بر اساس بیان اکثر مفسران - در ذیل آیه شریفه ۱۹۰ سوره بقره - جزو استثنائات قتال در جنگ می‌باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۰ / نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۲۳ / مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۹۸ / کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۴۱۳ / قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۰۲ / جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳۱ / ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۶۹ / قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۳۱ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۰ / فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۴۳) که کشتن آنها جزو مصادیق «اعتداء» به‌شمار می‌آید. در تفسیر عاملی ذیل آیه ۱۹۰ سوره بقره روایتی نقل شده است که:

یحیی بن عامر غسانی گفت: به عمر عبدالعزیز، خلیفه اموی نوشتم: «معنی این آیه چیست؟» او در جواب نوشت: «مقصود جلوگیری از کشتن زن و بچه است و آنهایی که به جنگ با مسلمین حاضر نمی‌شوند» (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۱۹ / ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۶۹).

همچنین در تفسیر الدر المنثور سیوطی، روایتی نقل شده که در آن ابن عباس منظور از عبارت «ولا تعدوا» را ممنوعیت کشتن زنان و کودکان و سالخوردهگان دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۰۵ / همچنین رک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۲۵).

مصونیت زنان و کودکان از کشته شدن در زمان جنگ، از چنان جایگاهی برخوردار است که مرحوم علامه طباطبایی معتقدند، این دو گروه به طور خاص از مفهوم «الذین یقاتلون» خارج هستند و نباید مورد تعرض واقع شوند؛ چرا که «قتال با زنان و کودکان که قدرت بر قتال ندارند؛ عملی بی معنا است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۷).

سیره نبوی نیز که ریشه در آیات قرآن کریم دارد، مؤید ممنوعیت کشتار زنان و کودکان در زمان جنگ می باشد. پیامبر اسلام ﷺ زمانی که می خواستند، لشکری را راهی جنگ با کفار کنند؛ یکی از توصیه های اکیدشان به لشکریان، ممنوعیت کشتن زنان، کودکان و سالخوردهگان بود. ایشان می فرمودند:

سَيْرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ... وَلَا تَقْتُلُوا شَيْخًا قَانِيًا وَلَا صَبِيًّا وَلَا امْرَأَةً ... (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۷ / حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۵۸).

با نام خداوند و در راه خداوند و ... به جهاد پردازید... و از کشتن پیرمردان و زنان و کودکان اجتناب کنید.

ایشان در یکی از جنگ ها زمانی که با جسد یک زن در صحنه نبرد روبرو شدند، از علت قتل آن زن سؤال کرده * و دستور فرمودند: زنان و کودکان مورد تعرض قرار نگرفته و کشته نشوند (جزری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۰ / واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۱ / المقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۸ / ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۳۷). همچنین زمانی که به رسول اکرم ﷺ خبر دادند که مسلمانان اطفال مشرکین را به قتل می رسانند، ایشان به شدت از این کار نهی فرموده و در جواب کسانی که دلیل می آوردند؛ آنها اولاد مشرکین هستند، فرمودند: «مگر شما فرزندان مشرکان نبودید»** (النسائی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۸۴ / احمد بن حنبل، [بی تا]، ج ۳، ص ۴۳۵).

* سؤال حضرت بیانگر این است که از نظر ایشان کشتن زنان در جنگ امر مجاز نبوده است. و گر نه همان طور که مشاهده اجساد سایرین سؤال برانگیز نمی باشد؛ جسد این زن نیز نمی بایست، ایجاد سؤال می کرد.

** «حدثنا الأسود بن سريع قال كنا في غزاة فأصبنا ظفرا وقتلنا من المشركين حتى بلغ بهم القتل إلى أن قتلوا الذرية فبلغ ذلك النبي ﷺ فقال ما بال أقوام بلغ بهم القتل إلى أن قتلوا الذرية ألا لا تقتلن ذرية ألا لا تقتلن ذرية قيل لم يا رسول الله أليس هم أولاد المشركين قال أوليس خياركم أولاد المشركين».

سیره علوی هم که ادامه همان سیره و روش نبی مکرم اسلام می‌باشد؛ ممنوعیت کشتن زنان و کودکان را مورد توجه و تأکید قرار داده است. امیر المومنین، علی علیه السلام قبل از درگیری با دشمن و آغاز جنگ صفین توصیه‌هایی به لشکریان خود نمودند و آنان را از کشتن زنان برحذر داشتند:

اگر دشمنان به یاری خدا شکست خوردند و از میدان کارزار فرار کردند، مبادا که فراریان را بکشید و افتادگان را از میان ببرید و خستگان را نابود سازید. زنان را اگر چه به ناموستان فحش بدهند و به فرمانده شما هم ناسزا بگویند، می‌آزاید (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۳۴۹).

ایشان در بخشی از فرمان خود به مالک اشتر، زمانی که وی را به امارت مصر منسوب فرمودند، از ریختن خون‌های به ناحق،* برحذر داشته و بیان کردند:

إِيَّاكَ وَ الدَّمَاءَ وَ سَفْكَهَا بِ غَيْرِ حِلِّهَا فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِنِقْمَةٍ وَ لَأَ أَكْبَرُ لِتَبِعَةٍ وَ لَأَ أُخْرَى بِرِوَالِ نِعْمَةٍ وَ انْقِطَاعِ مُدَّةٍ مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ بِ غَيْرِ حَقِّهَا (همان، ص ۳۸۱).

و پرهیز از خون‌ها و ریختن آن به ناروا که چیزی چون ریختن خون به ناحق، آدمی را به کیفر نرساند و گناه را بزرگ نگرداند و نعمت را نبرد و رشته عمر را نبرد.

اهمیت جان غیرنظامیان، خصوصاً زنان و کودکان به حدی است که مشهور فقهای امامیه، معتقد به مصونیت زنان و کودکان، از تعرض حتی در صورت مقاتل بودن نیز می‌باشند. شیخ طوسی در این خصوص می‌نویسد:

و لا يجوز قتال النساء فإن قاتلن المسلمین و عاونَ أزواجهنَ و رجالهنَ، أمسک عنهنَّ (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۳ / نجفی، [بی‌تا]، ج ۲۱، ص ۷۳ / سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۱۵، ص ۱۲۴ - ۱۲۵).

کشتن زنان جایز نیست. حتی اگر به نبرد با مسلمین بپردازند و شوهران و افراد خودشان را کمک کنند؛ باز از ایشان اعراض کن.

مرحوم علامه حلی در کتاب **منتهی المطلب** روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که رسول الله صلی الله علیه و آله در صورت امکان از قتل زنان و کودکان، حتی زمانی که نظامی

* بر اساس آیه ۱۹۰ سوره بقره و سیره نبوی و خود امیرالمومنین، ریخته‌شدن خون افراد غیرنظامی خصوصاً زنان و کودکان جزو خون‌های به ناحق ریخته‌شده محسوب می‌شود.

نیز باشند؛ نهی می فرمودند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰۳ / همچنین ر. ک: حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۶۴)*.

این امر در مورد سالخوردگان نیز صدق می کند، فقهای عظام معتقدند که این افراد نباید کشته شوند، مگر اینکه به نوعی رزمنده محسوب شوند.** در مورد مصادیق دیگر غیر نظامیان نظیر معلولان جسمی، مجانین، بیماران، تجار، زارعین و روحانیون نیز در متون فقهی، مصونیت های مشابهی برای آنها ذکر شده است (سزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۱۲۶ - ۱۲۴)***.

بنابراین جلوگیری از کشتار زنان و کودکان، در جریان مخاصمات مسلحانه امر اجتناب ناپذیر و از جمله قواعد آمره و دستورات تخلف ناپذیر جهادی اسلام محسوب می شود. مرحوم صاحب جواهر معتقدند: «ممنوعیت کشتن زنان و کودکان»، هیچ مخالفی ندارد. علامه حلی نیز بر این امر ادعای اجماع می کنند.

و لا يجوز قتل المجانين و لا الصبيان و لا النساء منهم و لو عاونهم بتشديد النون إلا مع الاضطرار بلا خلاف أجده في شيء من ذلك، بل في المنتهى الإجماع عليه في النساء و الصبيان، بل و على قتل النساء مع الضرورة (نجفی، [بی تا]، ج ۲۱، ص ۷۳).

کشتن زنان و کودکان و مجانین دشمن، مگر در صورت اضطرار، جایز نیست. هر چند که نیروهای دشمن را کمک کنند، در این حکم بین علما اختلافی نیست؛ بلکه مرحوم علامه حلی در کتاب المنتهی نسبت به ممنوعیت کشتن زنان و کودکان ادعای اجماع کرده و حتی، ممنوعیت کشتن زنان را با وجود ضرورت نیز اجماعی می دانند.

* «رواه حفص عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله نهى عن قتل النساء و الولدان في دار الحرب إلا أن تقاتل فإن قاتلت أيضا فأمسك عنها ما أمكنك ثم قال و كذلك المقعد من أهل الذمة و الشيخ الفسائي و المرأة و الولدان و كذا الشيوخ و الصبيان».

** رزمنده بودن صرفاً مساوی با مقاتل بودن نیست؛ بلکه اگر فردی در جنگ کمک فکری نیز به نیروهای رزمنده بدهد، او نیز رزمنده محسوب می شود. اگر پیرمردی مقاتل باشد و یا فقط کمک فکری به نیروهای متخاصم بدهد، در هر دو حالت جایز القتل می باشد. مرحوم شیخ طوسی در این زمینه بیان می کند: و إذا وقع في الأسر شيخ من أهل الحرب ...: «أن يكون فيه قتال و لا رأى له فيجوز قتله» أيضاً. و یا: «له رأى و لا قتال فيه يجوز قتله بلا خلاف» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۲ / همچنین ر. ک: نجفی، [بی تا]، ج ۲۱، ص ۷۵).

*** «مسئله (۷۲): لا يقتل في الحرب عشر طوائف: الشيخ الفاني و المرأة و الطفل قبل البلوغ و المقعد و الاعمي و المريض الذي قعد به المرض و الرسول و الزاهد المتبتل و الذي لا يصلح قتله لمصلحة و المجنون باقسامه» (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۴۷، ص ۲۰۵).

برهمن اساس حتی اگر دشمن زنان و کودکان خود را در برابر مسلمانان قرار دهد و به اصطلاح از آنها به عنوان سپر انسانی (Human Shield) استفاده کند، مسلمانان تا جایی که بتوانند، نباید آنها را مورد هدف قرار دهند؛ بلکه هدف اصلی باید از بین بردن نیروهای جنگی دشمن باشد که از زنان و کودکان برای خود سپر دفاعی به وجود آورده‌اند. ولا يُجوز قتل المجانین و الصبیان و النساء و إن أعن، و لو تترسوا کفّ عنهم إلیّما مع الضرورة (علامه حلی، ۱۴۲۱، ص ۸۰).

کشتن زنان و کودکان و ... ممنوع می‌باشد و در صورتی که دشمن از اینها به عنوان سپر انسانی استفاده کند، بدون ضرورت نباید مورد حمله قرار گیرند. از دیگر قوانین اسلامی که رعایت اصل تفکیک در جریان جنگ را الزامی می‌کند، ممنوعیت به‌کارگیری سموم (Poisons)، علیه نیروهای دشمن می‌باشد. هرچند در زمان تدوین مقررات جهادی اسلام، خبری از تسلیحات کشتار جمعی به صورتی که امروزه کشتار و تخریب می‌کنند؛ نبود اما با این حال در آن زمان استفاده از سموم به جهت اینکه بدون تفکیک و تمایز موجبات کشتار غیرنظامیان بالأخص زنان و کودکان را فراهم می‌آورد، از نظر مقررات اسلامی ممنوع اعلام گشته بود. این ممنوعیت در روایتی که از رسول اکرم ﷺ نقل شده، صراحتاً اعلام گردیده است «عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ نَهَى أَنْ يُرْمَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۸ / شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۴۳).

فقهای معظم نیز به تبع فرمایش حضرت رسول ﷺ در کتاب‌های خود، متعرض حکم استفاده از سم در مخاصمات مسلحانه گردیده و به‌کارگیری آن را به جهت کشتار بدون تفکیکی که انجام می‌دهد و موجب مرگ افراد بی‌گناه را فراهم می‌آورد، ممنوع اعلام کرده‌اند. * «و یحرم بالقاء الم... لو أذی إلى قتل نفس محترمة حرم لذلك» (شاهد ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۵ / حسینی شیرازی، [بی‌تا]، ص ۲۶۸). مرحوم صاحب جواهر در این زمینه بیان می‌کنند:

نعم قد یقال إنه ظاهر فی النهی عن إلقائه فی البلاد، لاستلزامه غالباً قتل الأطفال و

* هرچند فقها در حرمت یا کراهت استفاده از سم با یکدیگر اختلاف نظر دارند با این حال همان‌طور که گفته شد، تمامی فقها اتفاق نظر دارند که کشتن زنان و کودکان و سالخوردگان و سایر غیرنظامیان در جنگ، ممنوع است. از این رو، طبق همین نظر، اگر استفاده از سموم موجبات کشته شدن این افراد را فراهم آورد، مطمئناً ممنوع خواهد بود. چنان‌که عده‌ای از فقها نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند و عده‌ای نیز با این عبارت که «در صورت محدود بودن اثرات سموم به نظامیان»، به‌کارگیری آن مجاز می‌باشد. مواردی که این‌گونه نباشد و اثرات آن به غیرنظامیان نیز تسری پیدا کند را ممنوع اعلام کرده‌اند.

النساء و الشيوخ و من فيها من المسلمين و نحوهم ممن يحرم قتله، ... (نجفی، [بی تا]، ج ۲۱، ص ۶۸ / همچنین در این زمینه ر. ک: سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۱۲۴).
علت ممنوعیت القاء سم در بلاد دشمن، این است که غالباً موجب کشته شدن زنان، کودکان، سالخوردگان و مسلمانانی که در میان کفار هستند و به طور کلی افرادی که کشتن آنها حرام است؛ می گردد.

اما در صورتی که بتوان اثرات سموم را مختص نظامیان کرده و اصل تفکیک را رعایت نمود و از کشتار غیرنظامیان، جلوگیری کرد؛ در این صورت به کارگیری آن ممنوع نخواهد بود:

أما إذا فرض اختصاص قتله بالكفار الذين يجوز قتلهم بأنواع القتل فلا (یحرم) ... (نجفی، [بی تا]، ج ۲۱، ص ۶۸ / خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۳ / تبریزی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۸۳ / وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۴۲۱ / روحانی قمی، [بی تا]، ج ۱۱، ص ۵۰۴).

۹۱ اگر بتوان اثرات سم را به کفاری اختصاص داد که جایز القتل هستند، به کارگیری آن ممنوع نخواهد بود.

در واقع ملاک اصلی در استفاده از سموم در جریان جنگ امکان رعایت اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان می باشد.

امروزه که دامنه کشتار، توسط تسلیحات هسته‌ای به هیچ وجه قابل مقایسه با به کارگیری سموم نمی باشد؛ به طریق اولی به کارگیری این نوع تسلیحات ممنوع خواهد بود. مرحوم سید محمد صدر در این مورد بیان می کند:

... و الروایة و إن كانت دالة علی خصوص السم، إلا أنها شاملة لكل المبيدات العامة، ... حتی لو كان سلاحاً كالذری أو غیره؛ و ذلك بالتجريد عن الخصوصية فقیهاً.
(صدر، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۸۵).

هرچند روایت در خصوص سم وارد شده، اما شامل همه وسایل کشتار جمعی می شود ... حتی سلاحی همانند سلاح هسته‌ای، به خاطر اینکه از نظر فقهی سم خصوصیتی ندارد؛ لذا هر آنچه مانند سم باشد حکم آن را خواهد داشت.

بنابراین با توجه به کشتار وسیع سلاح‌های هسته‌ای - که بدون تفکیک و عمدتاً علیه غیرنظامیان صورت می گیرد - به کارگیری آنها در جریان مخاصمه مسلحانه به جهت تعارض آن با اصل بنیادین «تفکیک» که در مقررات اسلامی بر رعایت آن تأکید شده است، ممنوع می باشد.

۲-۲. تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی

چنان‌که حمله باید صرفاً علیه نظامیان صورت گیرد، تمایز قایل شدن بین اهداف نظامی و غیرنظامی در جریان حمله نیز جزو تکالیف رزمندگان مسلمان محسوب می‌شود. تسلیحات هسته‌ای، علاوه بر کشتار وسیعی که به راه می‌اندازند؛ موجب تخریب وسیع و بدون تفکیک اهداف غیرنظامی از جمله محیط‌زیست طبیعی (Environment)، اماکن مسکونی، عبادی، فرهنگی و سایر اماکن* نیز می‌شود.

از مهم‌ترین اهداف غیرنظامی که در زمان جنگ از آتش جنگ متأثر می‌شوند؛ محیط‌زیست طبیعی است که در صحنه جنگ و یا خارج از آن قرار دارد. مقررات و احکام اسلامی نیز این مسئله را مورد توجه قرار داده و قوانینی را برای مصونیت‌بخشی به محیط‌زیست در برابر تهاجم عمدی در جریان یک مخاصمه مسلحانه وضع کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین این مقررات می‌توان به اطلاق ممنوعیت تعدی که در آیه مبارکه ۱۹۰ سوره بقره مندرج است، اشاره کرد. مفسران در تفسیر و تبیین مفهوم اعتداء ذیل آیه مبارکه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰) آن را شامل هرگونه تعدی و تجاوز از حدود و فرامین الهی در جنگ دانسته‌اند. علامه طباطبایی در این زمینه می‌گویند: «نهی از اعتدا نهی است مطلق، در نتیجه مراد از آن، مطلق هر عملی است که عنوان تجاوز بر آن صادق باشد. مانند قتال قبل از پیشنهاد مصالحه بر سر حق، قتال ابتدایی، قتل زنان و کودکان، قتال قبل از اعلان جنگ با دشمن و امثال اینها» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۹) و از جمله مواردی که سنت نبوی آن را بیان کرده، ممنوعیت تخریب محیط‌زیست، اموال و اماکن غیرنظامی بدون اقتضای ضرورت جنگی می‌باشد:

إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا بَعَثَ أَمِيرًا لَهُ عَلَى سَرِيَّةٍ ... يَقُولُ اغْزُ بِسْمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَلَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَلَا تُفْرِقُوهُ بِالْمَاءِ وَلَا تَقَطُّعُوا شَجَرَةً مُشْرَبَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعًا ... (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹ / حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۵۹).

پیامبر ﷺ زمانی که فرماندهی را به جنگ می‌فرستادند، می‌فرمودند: با نام خداوند و در

* ممنوعیت تخریب این اماکن در جریان مخاصمات مسلحانه جزو مقررات اسلامی می‌باشد. برای دیدن تفصیل مطلب ر.ک: (لطفی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۵۱۳).

راه او جهاد کنید... نخل‌ها را آتش نزده و آنها را با آب غرق نکنید. درختان میوه را قطع نکنید. مزارع را آتش نزنید ...

علاوه بر این بعضی از مفسرین صریحاً تخریب محیط‌زیست را جزو معانی «اعتداء» می‌دانند: و قوله تعالی: (وَلَا تَعْتَدُوا) اِی لَا تَقَاتِلُوا بِه دَافِعِ الْمَنْفَعَةِ الشَّخْصِیَّةِ، بَل قَاتِلُوا بِه دَافِعِ انْسَانِی شَرِیْفِ، وَ قَصْدِ الذَّبِّ عَنِ الدِّیْنِ وَ الْحَقِّ، ... وَ لَا تَخْرُبُوا الْعِمَارَ، وَ تَقَطَّعُوا الْأَشْجَارَ ... وَ كَلَّ هَذِهِ التَّعَالِیْمِ وَ مَا لِیْهَا قَدْ وَرَدَتْ فِی السَّنَةِ النَّبَوِیَّةِ. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۹۸ / همچنین ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۰).

... آبادی‌ها را نابود نکنید، درختان را قطع نکنید... همه این تعالیم در سنت پیامبر ﷺ بیان شده است.

در قرآن کریم علاوه بر قواعد کلی فوق، جهت حمایت بیشتر از محیط‌زیست و جلوگیری از ایراد خسارت بی‌جهت، از نابودکنندگان حرث و نسل به عنوان مفسدین فی الارض یاد شده است:

وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِی الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ. **
و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد.

از اطلاق آیه مبارکه استفاده می‌شود که اهلاک حرث و نسل بدون نیاز و ضرورت نظامی از سوی هر کسی اعم از نیروی خودی یا دشمن صورت گیرد، اقدام فسادانگیز و مغایر با شئونات مجاهد فی سبیل الله می‌باشد که آن هم «اعتداء» از حدود الهی می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۴ - ۷۵ / حسینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۶۷).

فقه‌های معظم نیز این مسئله را مورد توجه قرار داده و تخریب محیط‌زیست را بدون اینکه نیازی به آن باشد - در جنگ ممنوع اعلام کرده‌اند. «و لا یجوز حرق الزرع و لا قطع شجرة الثمر و لا قتل البهائم و لا خراب المنازل و لا التهتك

* ... باغستان‌ها و گیاهان و زراعت‌ها را نباید از بین ببرند، و از مواد سمی برای زهرآلود کردن آب‌های آشامیدنی دشمن (جنگ شیمیایی و میکروبی)، نباید استفاده کنند.

** سوره مبارکه بقره آیه ۲۰۵: «حرث»: به محصولی که از زراعت و کشاورزی پیش از درو کردن، به دست آید؛ اطلاق می‌شود. و آن نتیجه زراعت است، و برای تأمین زندگی و خوراک بشر بوده و با هلاک شدن آن معاش انسان مختل و نظم زندگی به هم خواهد خورد. و «نسل» عبارت است از خروج چیزی یا امری از متن چیزی دیگر، مانند تولد طفل از مادر خواه در انسان باشد یا در حیوان؛ اخلاص در این جهت موجب از بین رفتن انسان و حیوان خواهد بود (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۶۸).

بالمقتلی» (حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۵۶ / ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱ / شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۹ / ابن البراج، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۹۹).

برخی از فقهای معاصر در پاسخ به استفتایی، با استناد به آیه ۲۰۵ سوره بقره و روایت: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ»، به عدم جواز آلوده کردن آبها و از بین بردن منابع طبیعی، کشتزارها و مزارع و هم چنین حیوانات اهلی و وحشی در بلاد کفر بدون وجود ضرورت جنگی، تصریح نموده‌اند.*

بنابراین از دیدگاه اسلام اهلاک؛ افساد و تخریب گیاهان، حیوانات، آبها و به طور کلی محیط‌زیست، حرام می‌باشد (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۴).**

از این رو در زمان حمله و تهاجم به مواضع دشمن باید بین اهداف نظامی و غیرنظامی، خصوصاً محیط‌زیست طبیعی، تفکیک و تمایز قایل شد و از حمله به مواضع

* متن استفتاء: با توجه به این که آبها جزو اصلی‌ترین عناصر محیط‌زیست به‌شمار می‌روند، بیان فرمایید: آیا در این رابطه در منابع اسلامی مستند صریح و قابل انطباق با وضعیت موجود برای جلوگیری از آلودگی آبها در جریان مخاصمات مسلحانه وجود دارد؟ پاسخ: آیت الله روحانی: فی خبر السکونی الوثیق عن جعفر عن ابیه عن علی رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله نهی أن یلقى السم فی بلاد المشرکین و هو یدل علی النهی من خلط الماء بالسم و افتی بمضمونه جماعة من العلماء (مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا، گنجینه استفتانات قضایی، ش ۷۳۶۵).

- متن سؤال: آلوده کردن آبها با استفاده از مواد مسموم‌کننده و میکروبی به منظور از بین بردن منابع طبیعی، کشتزارها و مزارع و هم چنین حیوانات اهلی و وحشی در بلاد کفر، بدون وجود ضرورت جنگی چگونه است؟ - آیت ... منتظری: آلوده کردن آبها، زمینها و اتلاف حیوانات هرچند در بلاد کفر، جایز نیست؛ بلکه مشمول آیه: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرثُ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسَادَ» (بقره: ۲۰۵) می‌شود؛ حتی در موارد جنگ نیز نباید مجاهدان متعرض درختان و حیوانات و... شوند. عن ابی عبدالله رضی الله عنه قال: کان رسول الله صابداً أراد أن یتبع سرته دعاتهم فأجلسهم بین یدیه ثم یقول سیروا بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله لا تغلوا و لا تمکثوا و لا تغدروا و لا تقتلوا شیخاً فانیاً و لا صبیباً و لا امرأة و لا تقطعوا شجرة إلا ما أن تضطروا إليها. (وسائل الشیعه، کتاب الجهاد، جهاد العدو، باب ۱۵) و در روایت دیگر آمده است، پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمانده جنگ دستور دادند: و لا تحرقوا النخل و لا تفرقوه بالماء و لا تقطعوا شجرة شجرة و لا تحرقوا زرعاً لأنکم لا تدرون لعلکم تحسبون إلیه و لا تغفروا من أیهاثم مما یؤکل لحمه إلا ما لا بد لکم من أکله... (وسائل الشیعه، کتاب الجهاد، جهاد العدو، باب ۱۵، ح ۳) و در هر حال چنانچه منجر به خسارت به جان و مال محترم گردد؛ ضمان هم دارد.

- آیت‌الله بهجت: جایز نیست؛ آیت‌الله سبحانی: جایز نیست؛ آیت‌الله مکارم شیرازی: جایز نیست؛ آیت‌الله علوی گرگانی: حرام است؛ آیت‌الله شیرازی: خیر در فرض سؤال جایز نیست؛ آیت‌الله گرامسی: جایز نمی‌باشد؛ آیت‌الله ملکوتی: در فرض مزبور، جایز نیست؛ آیت‌الله محقق کابلی: در مفروض سؤال جایز نیست» (مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا، گنجینه استفتانات قضایی، ش ۷۳۳۸).

** «فهلک الحرث و النسل حرام فی شریعة الله سواء من قبل تکونه و نموه أو بعد تکونه و هذا مما یدل دلیلاً علی وجوب حفظ النباتات و الحیوانات النادرة».

غیرنظامی پرهیز کرد. این در حالی است که یکی از مشخصه‌های بارز سلاح‌های هسته‌ای تأثیر مخربی است که این‌گونه تسلیحات بر محیط‌زیست طبیعی برجای می‌گذارند. از این رو یکی از دلایلی که دیوان بین‌المللی دادگستری را در صدور رأی مشورتی راجع به تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به طور بی‌سابقه به حدود یک سال و نیم به بحث و بررسی واداشت؛ اثرات گسترده، مخرب و دراز مدت سلاح‌های هسته‌ای بر انسان و محیط‌زیست بود (ساعد، ۱۳۸۶، ص ۵۱). اگرچه نظریه‌ای که در پایان ارائه نمود، با اصول و قواعد بشردوستانه به‌ویژه اصل تفکیک سازگار نیست.

نتیجه

آثار به‌جای مانده از بمباران اتمی شهرهای ژاپن - در زمان جنگ جهانی دوم - مؤید این مسئله است که خصوصیت اصلی سلاح‌های هسته‌ای کشتار و تخریب بدون قابلیت تفکیک می‌باشد. این در حالی است که از اصول مسلم و پذیرفته‌شده در مقررات بین‌المللی اصل «تفکیک»، در جریان مخاصمه مسلحانه بین نظامیان و غیرنظامیان از یک‌سو و اهداف نظامی و غیرنظامی از سوی دیگر است.

این اصل در مقررات اسلامی از چنان جایگاه مستحکم و رفیعی برخوردار است که همه فقهای معظم اتفاق نظر دارند که کشتن غیرجنگجویان، همچنین تخریب اهداف غیرنظامی (بدون اینکه ضرورتی آن را اقتضا کند)، در جریان مخاصمه مسلحانه ممنوع می‌باشد.

در مقررات بین‌المللی نیز «اصل تفکیک» از چنان جایگاهی برخوردار است که به اعتقاد بعضی از علمای حقوق بین‌الملل، «اساس حقوق جنگ» را تشکیل می‌دهد. لزوم رعایت این اصل، در مخاصمات مسلحانه به حدی است که بعضی از حقوق‌دانان معتقدند:

پایه اصلی بحث مغایرت سلاح هسته‌ای (کشتار جمعی) با حقوق بین‌الملل بشردوستانه قاعده تفکیک می‌باشد (ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۵۶).

به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری این اصل جزو اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی محسوب می‌شود. همچنین بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در صورت نقض، مرتکبین نقض، جزو جنایتکاران جنگی محسوب خواهند شد.

بنابراین به کارگیری سلاح هسته‌ای به این جهت که رعایت اصل تفکیک در آن امکان‌پذیر نیست، نقض مهمی در مقررات حقوق بشر دوستانه اسلامی و بین‌المللی محسوب می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت: به کارگیری سلاح هسته‌ای به هیچ روی و تحت هیچ شرایطی مجاز نیست. بدون تردید چنین اقدامی ناقض اصول اساسی حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل و موجب نادیده گرفتن ملاحظات انسانی و بشر دوستانه خواهد بود.



منابع

* قرآن كريم.

۱. ابن ابى حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسير القرآن العظيم؛ ج ۳، عربستان سعودی: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد؛ السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن البراج، قاضى عبدالعزيز؛ المهذب؛ ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۶ق.
۴. ابن كثير دمشقى، ابوالفداء اسماعيل بن عمر؛ البداية و النهاية؛ بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۷ق. مركز تحقيقات كميوتور علوم راسدى
۵. ابوالفتوح رازى، حسين بن على؛ روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن؛ مشهد: بنياد پژوهش‌هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۴۰۸ق.
۶. احمد بن حنبل؛ مسند احمد؛ بيروت: دارصادر، [بى تا].
۷. تبريزى، جواد بن على؛ منهاج الصالحين؛ ج ۱، قم: مجمع الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۲۶ق.
۸. جرجانى، ابوالمحاسن حسين بن حسن؛ جلاء الأذهان و جلاء الأحزان؛ ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۹. جزرى، عزالدين بن الاثير ابوالحسن على بن محمد؛ اسد الغابة فى معرفة الصحابة؛ بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۹ق.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة؛ ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.

۱۱. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد؛ تفسیر اثنی عشری؛ ج ۱، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
۱۲. حسینی شیرازی، سید محمد؛ الفقه؛ ج ۲، بیروت: دارالعلوم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. —؛ الفقه البیئة؛ ج ۱، بیروت: مؤسسة الوعي الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
۱۴. —؛ فقه العولمة؛ [بی تا]، [بی جا].
۱۵. حلبی، ابوالصلاح تقی‌الدین بن نجم‌الدین؛ الکافی فی الفقه؛ ج ۱، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ق.
۱۶. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة؛ ج ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
۱۷. —؛ تلخیص المرام فی معرفة الأحکام؛ ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ق.
۱۸. —؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ ج ۱، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۱۹. حلّی (محقق حلّی)، نجم‌الدین، جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۲۰. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی؛ منهاج الصالحین؛ قم: نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
۲۱. رسو، شارل؛ حقوق مخاصمات مسلحانه؛ ترجمه سیدعلی هنجنی؛ ج ۱، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹.
۲۲. روحانی قمی، سید صادق حسینی؛ منهاج الصالحین؛ ج ۳، [بی جا]، [بی تا].
۲۳. ساعد، نادر؛ حقوق بشر دوستانه و سلاح‌های هسته‌ای؛ ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۶.
۲۴. ساعد، نادر؛ حقوق بشر دوستانه و مسائل نوظهور (جنگ‌های پسانوین)؛ ج ۱، تهران: خرسندی، ۱۳۸۷.

۲۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله؛ الجدید فی تفسیر القرآن المجید؛ ج ۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۲۶. سبزواری، سید عبدالأعلى؛ مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام؛ ج ۴، قم: مؤسسة المنار، ۱۴۱۳ق.
۲۷. سلطان، حامد؛ «مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه»؛ ترجمه سید مصطفی محقق داماد؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۹، تهران: دانشگاه تهران، مهر ۱۳۷۲.
۲۸. سیدرضی، محمد؛ نهج البلاغه؛ ج ۱، قم: مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق.
۲۹. سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۳۱. صدر، سید محمد؛ ماوراء الفقه؛ ج ۱، بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی
۳۲. طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۳۳. طبرسی، امین الإسلام فضل بن حسن؛ المؤلف من المختلف بین أئمة السلف؛ ج ۱، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.
۳۴. —؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ ج ۲، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰ق.
۳۶. —؛ المبسوط فی فقه الإمامیة؛ ج ۳، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق.
۳۷. —؛ تهذیب الأحكام؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

۳۸. طیب، سیدعبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.

۳۹. عاملی، ابراهیم؛ تفسیر عاملی؛ تهران: انتشارات صدوق، ۱۳۶۰.

۴۰. عمیدزنجانی، عباسعلی؛ فقه سیاسی؛ ج ۵، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.

۴۱. فاضل مقداد، جمال‌الدین مقدادبن عبدالله؛ کنز العرفان فی فقه القرآن؛ تهران:

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق.

۴۲. فلسفی، هدایت‌الله؛ «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم

گسترش سلاح‌های هسته‌ای: تصورات و واقعیات»؛ مجله حقوقی، شماره

۱۹ - ۱۸، تابستان ۱۳۸۵.

۴۳. فلک، دیتیر؛ حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه؛ ترجمه سید قاسم زمانی

و نادر ساعد؛ ج ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۷.

۴۴. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.

۴۵. قربان‌نیا، ناصر؛ اخلاق و حقوق بین‌الملل؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه و انتشارات سمت، ۱۳۷۸.

۴۶. —؛ حقوق بشر و حقوق بشردوستانه؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

۴۷. قریشی، سیدعلی‌اکبر؛ تفسیر احسن‌الحديث؛ ج ۳، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.

۴۸. قطب راوندی، سعیدبن‌هبة‌الله؛ فقه القرآن فی شرح آیات الأحكام؛ ج ۲، قم:

کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.

۴۹. کاسسه، آنتونیو؛ نقش زور در روابط بین‌الملل؛ ترجمه مرتضی کلانتریان؛

تهران: آگه، ۱۳۷۵.

۵۰. کاشانی، ملافتح‌الله؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین؛ تهران:

کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶.

۵۱. کرکی، علی‌بن‌حسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ۲، قم: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ ق.

۵۲. کرمی حویزی، محمد؛ التفسیر لکتاب الله المنیر؛ ج ۱، قم: چاپخانه علمیه، ۱۴۰۲ق.
۵۳. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۴. لطفی، عبدالرضا؛ اخگری بناب، نادر، فقهی، محمدرضا؛ حمایت از محیط زیست، اموال و اماکن در مخاصمات مسلحانه؛ ج ۱، تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۹.

۵۵. مدرسی، سید محمد تقی؛ تفسیر هدایت؛ ترجمه احمد آرام؛ ج ۱، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.

۵۶. مسایلی، محمود، ارفعی، عالی؛ جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل؛ ج ۲، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.

۵۷. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن؛ ج ۱، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.

۵۸. مغنیه، محمد جواد؛ تفسیر الکاشف؛ ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.

۵۹. مقریزی، تقی الدین احمد بن علی؛ امتاع الاسماع به ما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.

۶۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۶۱. ممتاز، جمشید؛ حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی؛ ترجمه امیرحسین رنجبریان؛ ج ۱، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷.

۶۲. موسسه آموزشی و پژوهشی قضا، گنجینه استفتانات، (به صورت نرم افزار).

۶۳. نجفی خمینی، محمد جواد؛ تفسیر آسان؛ ج ۱، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۸ق.

۶۴. نجفی، محمد حسین؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

۶۵. نسائی، ابو عبدالرحمن؛ السنن الکبری؛ ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

۶۶. واقدی، محمد بن عمر؛ المغازی؛ ج ۳، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ق.

۶۷. وحید خراسانی، حسین؛ منهاج الصالحین؛ ج ۵، قم: مدرسه امام باقر عليه السلام، ۱۴۲۸ق.

٦٨. هنکرتز، ژان ماری، دوسوالدبک، لوئیس؛ حقوق بین المللی بشردوستانه
عرفی؛ ج ١، تهران: مجد، ١٣٨٧.

69. Advisory Opinion on Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, I.C.J Reports, 1996.

70. Charter of the United Nations, 1945 .

71. Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague, 18 October 1907.

72. Declaration OF President Bedjaoui on Advisory Opinion of ICJ 1996, Available at :

73. http://www.icj_cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=4&k=e1&case=95&code=unan&p3=4.

74. Declaration Renouncing the Use, in Time of War, of Explosive Projectiles Under 400 Grammes Weight. Saint Petersburg, 29 November / 11 December 1868.

75. Dissenting Opinion OF Judje Higgins, Available at :

76. http://www.icj_cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=4&k=e1&case=95&code=unan&p3=4.

77. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977.

78. The Rome Statute of the International Criminal Court (1998).

79. Treaty for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America

and the Caribbean (Tlatelolco), 1967, Available at:

http://www.opanal.org/opanal/Tlatelolco/P_Tlatelolco_i.htm.

80.UN.DOC .R/1653(XVI), Declaration on the Prohibition of the use of Nuclear and Thermo_nuclear Weapons, 24Nov. 1961.

Available at:

<http://www.un.org/documents/ga/res/16/ares16.htm>.

81.UN.DOC. A/45/373. Nuclear Weapons: A Comprehensive Study, Report of the Secretary _ General, 18 September 1990.



